

نقش اندیشه مقام معظم رهبری در تعاملات سیاسی و

اجتماعی میان گروه‌های مقاومت

آذر رضائی^۱، گارینه کشیشیان سیرکی^۲، حسن خداوردی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۹

چکیده: اندیشه مقام معظم رهبری، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار در تعاملات سیاسی و اجتماعی میان گروه‌های مقاومت، نقش کلیدی در شکل‌دهی به راهبردهای مقاومت منطقه‌ای ایفا کرده است. این پژوهش با بهره‌گیری از روش تحلیل گفتمان و بررسی اسناد تاریخی و سیاسی، تلاش دارد تا ابعاد مختلف اندیشه مقام معظم رهبری در حمایت، هدایت و انسجام گروه‌های مقاومت را بررسی کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که رهبری هوشمندانه، تأکید بر وحدت اسلامی، مقابله با سلطه‌گری و حمایت از جریان‌های مقاومت، از اصول محوری اندیشه مقام معظم رهبری در تعاملات منطقه‌ای است. این اصول نه تنها بر همبستگی میان گروه‌های مقاومت تأثیر گذاشته، بلکه موجب تثبیت نقش راهبردی آنان در معادلات سیاسی و امنیتی منطقه شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اندیشه مقام معظم رهبری از طریق حمایت‌های معنوی، استراتژی‌های دیپلماتیک و تأکید بر استقلال و عزت ملی، زمینه‌ساز توسعه تعاملات میان گروه‌های مقاومت و انسجام بیشتر آنان در برابر تهدیدهای خارجی شده است.

واژگان اصلی: گفتمان مقاومت، گروه‌های مقاومت، استقلال و عزت ملی، وحدت اسلامی، سیاست‌های منطقه‌ای، حمایت معنوی و راهبردی، مقابله با سلطه‌گری.

^۱ گروه علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^۲ گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) G_Keshishyan@azad.ac.ir

^۳ گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۱. مقدمه

اندیشه مقاومت از اساسی ترین تفکرات موجود در دوران معاصر می باشد که از سوی بسیاری از اندیشمندان و جنبش های اسلامی مورد مذاقه و توجه قرار گرفته است. این تفکر در عصر حاضر دارای آثار و بهره های گوناگون در ایجاد و تسری اسلام سیاسی در دوران معاصر داشته است. در واقع این تفکر به رهبری امام خمینی (ره) با وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۵۷ شکل گرفته و پردازش شد. به نوعی در این انقلاب؛ با اندیشه امام خمینی (ره) اسلام در حیات سیاسی و اجتماعی وارد شده و براساس مبانی معرفتی خود مبنی بر نفی هرگونه سلطه پذیری و مقاومت در برابر هرگونه استعمار و سلطه گری سامان سیاسی جدیدی به نام « اسلام سیاسی » وارد ادبیات سیاسی جهان گردید. در دوران ده ساله رهبری امام خمینی (ره) نظام اسلامی در ایران نهادینه شد. پس از امام در دوران رهبری آیت الله خامنه ای نظام اسلامی تاکنون نه تنها ریشه های اسلام سیاسی در ایران محکم شده است بلکه به کشورهای اسلامی نیز صادر شده است. در نزدیک به چهار دهه اندیشه های مقام معظم رهبری در هدایت، روشننگری تبیین نقشه راه در مورد مقاومت کشورهای مسلمان اعم از شیعه و سنی و اتحاد آنان در مقابل سلطه غرب به سرکردگی آمریکا و رژیم نیابتی آنها در منطقه (اسرائیل غاصب) براساس اصول اساسی اسلام که مورد توافق شیعه و سنی بوده است؛ به قوت و مستمر ادامه داشته است. درواقع؛ پیامد اندیشه های مقام معظم رهبری در دهه های اخیر موجب تحولات شگرفی در منطقه جنوب غرب آسیا شده است.

اندیشه مقام معظم رهبری، به عنوان یکی از تأثیرگذارترین دیدگاه های راهبردی در تحولات سیاسی و اجتماعی منطقه، توانسته است انسجام میان گروه های مقاومت را تقویت کرده و چارچوبی مستحکم برای مبارزه با اشغال گری و نفوذ قدرت های بیگانه فراهم نماید. در سیاست های منطقه ای، مقاومت نه تنها یک واکنش دفاعی در برابر تهدیدات خارجی، بلکه یک راهبرد سیاسی و اجتماعی محسوب می شود که هدف آن حفظ استقلال و عزت ملی است. مقام معظم رهبری با تأکید بر وحدت اسلامی، حمایت از مستضعفان و مقابله با جریان های سلطه طلب، توانسته اند نقش برجسته ای در هدایت و هماهنگی گروه های مقاومت ایفا کنند. این اندیشه نه تنها بر روابط دیپلماتیک میان دولت ها تأثیر داشته، بلکه در شکل دهی به شبکه های مردمی و جنبش های اجتماعی نیز نقشی اساسی ایفا کرده است. این

درحالی می باشد که رهبران برخی از کشورهای منطقه همانند «ترکیه و عربستان، باتوجه به شخصیت و ذهنیت متفاوتشان، نوع نگاه، تفسیر، برداشت، تصمیم و سیاست خارجی متفاوتی را در مورد موضوع های گوناگون در منطقه خاورمیانه و از جمله در ارتباط با اهداف و اولویتهای سیاست خارجی ایران، پیگیری میکنند» (پوراسمعیلی، اسمعیلی اردکانی، ۱۴۰۲: ۶۱).

بررسی نقش مقام معظم رهبری در تعاملات سیاسی و اجتماعی میان گروه های مقاومت نشان می دهد که گفتمان مقاومت، متأثر از اصول ایدئولوژیک و راهبردی ایشان، توانسته است به یک هویت مشترک میان گروه های مختلف تبدیل شود. این هویت مشترک، موجب افزایش همگرایی میان گروه های مقاومت، تعریف اهداف مشترک و تدوین راهبردهای مقابله با تهدیدهای خارجی شده است. این مقاله با استفاده از تحلیل اسناد سیاسی، سخنرانی های مقام معظم رهبری، و بررسی تعاملات منطقه ای میان گروه های مقاومت، با استفاده از چارچوب نظری سازه انگاری و با روش توصیفی تحلیلی تلاش دارد تا ابعاد گوناگون نقش رهبری در تنظیم تعاملات سیاسی و اجتماعی مقاومت را تحلیل کند. همچنین، پیامدهای این تعاملات بر معادلات قدرت، دیپلماسی منطقه ای و تحولات جغرافیای سیاسی بررسی خواهد شد.

۲. پیشینه پژوهش

احمدی مقدم و همکاران (۱۴۰۲)، طی تحقیقی تحت عنوان تبیین نقش امام خامنه ای در هدایت و رهبری جبهه مقاومت به این نتایج رسیدند که: هدفمندی مقاومت؛ افول هیمنه استکباری در منطقه، شکوفایی مؤلفه های قدرت مقاومتی در منطقه؛ گرایش اراده و سیاست های ضد استکباری منطقه ای به نفع ملت فلسطین؛ روحیه و پویایی مقاومت؛ هدایت تشریعی گروه های مقاومت؛ ماهیت الهام بخشی انقلاب اسلامی ایران است. درگاهی در سال ۱۴۰۲ در مقاله ای با عنوان «چیستی راهبرد مقاومت در اندیشه مقام معظم رهبری و تحلیل مبانی عقلی آن از منظر فقه سیاسی» به چیستی راهبرد مقاومت در اندیشه مقام معظم رهبری اشاره کرده و تفاوت این تحقیق با پژوهش حاضر در این امر است که ما به دنبال بررسی تاثیر اندیشه های آیت الله خامنه ای بر هویت یابی محور مقاومت هستیم و نه مبانی عقلی آن از منظر فقه

سیاسی. صادق زاده در سال ۱۴۰۲ در مقاله ای با عنوان «نقش مقام معظم رهبری در تبیین دیپلماسی مقاومت با تاکید بر دکترین دفاعی» به نقش مقام معظم رهبری در تبیین دکترین دفاعی دیپلماسی مقاومت اشاره کرده اند، از منظر آنان الگوی مقاومت مبتنی بر اصول، اهداف و راهبردهای آن در آینده نیز نقشه راه امت اسلامی و ملل تحت ستم جهت دستیابی به جایگاه حقیقی خود در سطح نظام بین الملل است که جمهوری اسلامی ایران به عنوان کانون و حامی مقاومت به تقویت تداوم و بسط محور مقاومت اسلامی کمک می نماید. اعرابی در سال ۱۳۹۹ در مقاله ای با عنوان مبانی قرآنی و روایی مقاومت در کلام مقام معظم رهبری به مبانی قرآنی و روایی مقاومت در کلام مقام معظم رهبری اشاره کرده است. حکیمی و افتخاری در سال ۱۳۹۹ در مقاله ای با عنوان «مختصات الگوی مقاومت اسلامی در منظومه فکری مقام معظم رهبری» به مختصات الگوی مقاومت اسلامی در منظومه فکری مقام معظم رهبری اشاره کرده اند بر این اساس نویسندگان گفته اند که، سطح دیدگاه ما به مقاومت، دیدگاهی گفتمانی به دال مرکزی اسلام ناب محمدی بوده که در مقابل و در تهدید گفتمان متضاد آن یعنی گفتمان دنیاطلبی، ظلم، استکبار و مادی گرایی است. صالح اصفهانی و همکاران در سال ۱۳۹۹ در مقاله ای با عنوان «الگوی جبهه مقاومت از دیدگاه امام خامنه‌ای به تبیین الگوی جبهه مقاومت از دیدگاه امام خامنه‌ای اشاره کرده اند. مهدی پور در سال ۱۳۹۹ در مقاله ای با عنوان «بررسی ابعاد و پیامدهای راهبرد مقاومت در اندیشه آیت الله خامنه‌ای» به بررسی ابعاد و پیامدهای راهبرد مقاومت در اندیشه رهبر معظم انقلاب اشاره کرده اند. از نظر ایشان راه مبارزه با آسیب ها و عبور از موانع؛ شناخت دشمن، شناخت قدرت مقاومت، تکیه بر قدرت درون زا، مقاوم سازی همبستگی ملی، مقاومت با تدبیر و فداکارانه و مهمتر از همه ایمان به نصرت و وعده الهی است. آنچه مسلم است افق و چشم انداز مقاومت در اندیشه رهبری ایجاد تمدن نوین اسلامی است تمدنی که مردم سالاری، عدالت، آزادی، کرامت انسانی، پیشرفت و عزتمندی در دنیا و آخرت از مهمترین ویژگی های آن محسوب می شود. تفاوت این تحقیق با تحقیق حاضر در این امر است که این تحقیق به دنبال بررسی ابعاد و پیامدهای راهبرد مقاومت در اندیشه آیت الله خامنه‌ای است لیکن ما به دنبال بررسی تاثیر اندیشه های آیت الله خامنه‌ای بر هویت یابی محور مقاومت هستیم و نه بررسی ابعاد و پیامدهای راهبرد مقاومت در اندیشه آیت الله خامنه‌ای. حسن‌نیا مقدم و همکاران در

سال ۱۳۹۹ در مقاله ای با عنوان «بررسی مؤلفه‌های راهبردی مقاومت در اندیشه مقام معظم رهبری به مؤلفه‌های راهبردی مقاومت در اندیشه مقام معظم رهبری اشاره کرده اند که این پژوهش نیز با مقاله حاضر تفاوت‌های اساسی دارد. در پژوهش‌های خارجی نیز واستدینگ و مابون (۲۰۲۱)، در مقاله ای تحت عنوان «محور مقاومت و نظم منطقه‌ای در خاورمیانه: مشکلات اقتدار سیاسی و حقوق و تکالیف شهروندان، فضا و جایگزین‌های هنجاری» را به رشته تحریر در آوردند. آنها بیان داشتند که یک دهه پس از قیام‌های عربی، سیاست در سراسر خاورمیانه، هم در داخل و هم بین دولت‌ها مسأله مورد مناقشه است. محور مقاومت به عنوان ترکیبی از اتحاد راهبردی، جامعه امنیتی و شبکه ایده‌پردازی، با توجه به دیدگاه ضدهژمونیک دیرینه خود در برابر ایالات متحده و متحدان منطقه‌ای آن، مطالعه قانع‌کننده ای را در مورد مسائل نظم منطقه‌ای در خاورمیانه ارائه می‌کند. در حالی که از تعداد مختلفی از اجزا تشکیل دهنده، تشکیل شده است، آنچه این شبکه ائتلاف پیچیده را در کنار هم نگه می‌دارد، یک دیدگاه هنجاری مشترک گسترده از نظم منطقه ای است که در گفتمان بیان شده است، که توسط میراث ایده آل هدایت می‌شود و از طریق عملکرد فضایی واقعی می‌شود. آنان از این دیدگاه هنجاری به عنوان اقتدار سیاسی و حقوق و تکالیف شهروندان یاد می‌کنند. با تمرکز بر محور مقاومت، این مقاله به شیوه‌هایی می‌پردازد که مفاهیم فضایی مقاومت توسط بازیگران درون این محور، یعنی جمهوری اسلامی ایران و حزب الله، به کار گرفته شده اند. با تمرکز تجربی بر لبنان، نویسندگان از کار میدانی انجام شده در این کشور برای کاوش در بیان روایت‌های مقاومت از طریق فضاها و فرهنگ‌های مختلف فرهنگی و یادبودی که هر دو بازیگر ایجاد کرده اند، استفاده می‌کنند. استدلال نویسندگان این است که مشکلات اقتدار سیاسی و حقوق و تکالیف شهروندان به عنوان یک ابزار مفهومی جایگزین برای درک مظاهر نظم در کنار رویکردهای جریان اصلی تر، کاربرد دارد. تفاوت این تحقیق با تحقیق حاضر در این امر است که در این تحقیق ما به دنبال بررسی تاثیر اندیشه های آیت الله خامنه ای بر هویت یابی محور مقاومت هستیم و نه صرفاً محور مقاومت و نظم منطقه‌ای در خاورمیانه. در مجموع می‌توان مقالات و کتب بسیاری در این زمینه پیدا کرد ولی پژوهش حاضر با یک نگاه جدید و با یک رویکرد جدید به مسأله هویت یابی می‌پردازد که نوآورانه است.

۲.۱. چارچوب نظری پژوهش

از آنجایی که در ارتباط میان اندیشه های مقام معظم رهبری و گروه های مقاومت مبتنی بر مؤلفه های هویتی و مذهبی است، نظریه سازه انگاری می تواند از قابلیت بالایی برای تجزیه و تحلیل موضوع مطرح شده در این پژوهش برخوردار باشد. افزون بر این سازه انگاری را می توان رویکردی فکری دانست، که روشی برای بررسی روابط بین الملل از منظر جامعه شناختی ارائه می دهد. همچنین سازه انگاری رویکردی است که پژوهشگر در روابط بین الملل، پایه گذاری نظری پدیده های سیاست بین الملل را ممکن می سازد و او را قادر می سازد تا پدیده های کلی را بدون پیش بینی خود پیش بینی کند.

نظریه سازه انگاری بر نقش فرهنگ، ارزش ها و ایده ها در روابط بین الملل تمرکز دارد و مسائل هویت، علایق، ترجیحات و هنجارها را تحلیل می کند. این یک نظریه سیستماتیک است که در ذات خود متکی بر جامعه شناسی و روانشناسی اجتماعی است که در آن هویت ها و علایق، متغیر وابسته ای است که باید مورد مطالعه و درک قرار گیرد و طرفداران این گزاره معتقدند که ملاحظات مادی به تنهایی این امر را فراهم نمی کند (ونت، ۱۳۸۴: ۲۳-۲۵).

از منظر ریشه شناسانه، نظریه سازه انگاری، ریشه در بذر نخستینی دارد که «کانت» و «ویتگنشتاین» در بستر اندیشه سیاسی نهادند. براین اساس، نظریه پردازان سازه انگار بر این باورند که «واقعیت های اجتماعی» محصول «ساختارهای زبانی» است. از منظر سازه انگاران «شناخت» بدون اینکه مسئله ای در واقعیت بیرونی، مطرح باشد میسر نیست و این شناخت مبتنی بر «ساخت یابی اجتماعی» و «فهم بینا ذهنی» به واسطه مشارکت معانی مقدور است. بر این اساس از منظر سازه انگاران واقعیت ها در عرصه بین المللی از رهگذر یک هستی شناسی رابطه ای قابل درک است و برخلاف اندیشمندان جریان اصلی که بر عناصر مادی تأکید دارند، آنان بر عوامل فکری و معناگرایانه نظیر فرهنگ، انگاره ها، هویت، هنجارها و ارزش ها در کنار این عناصر مادی، عنایت ویژه دارند. (احمری و همکاران. ۱۳۹۵: ۳۱۴) سازه انگاری عنوان مکتبی است که با گذر از ماده گرایی مطلق در خصوص مطالعات اجتماعی، اصالت را در پدیده های اجتماعی به ایده و اندیشه داده و بیانگر این است که پدیده های اجتماعی با اشیاء و موجودات مادی متفاوت است.

سازه انگاری از حیث هستی شناسی، از ایده آلیسم^۱ در مقابل ماتریالیسم و از ذهنیت گرایی^۲ در مقابل عینیت گرایی^۳ دفاع می کند. از این منظر سازه انگاری به وجود مستقل جهان از ذهن انسانی باور ندارد. از منظر معرفت شناسانه نیز، این دیدگاه امکان دستیابی به حقیقت عینی، ذاتی و از پیش داده را باور نمی کند (متقی و کاظمی، ۱۳۸۶: ۲۱۰).

سازه انگاری بر خلاف تئوری های خردگرا که ایده ها، ارزش ها و هنجارها را ابزارهایی برای توجیه و یا حمایت از منافع مفروض شده می داند، بر تأثیر مستقل «ایده ها»، «ارزش ها» و «هنجارها» تأکید می نماید. علاوه بر آن در تئوری سازه انگاری به جای مفهوم انسان بیشینه خواه از مفهوم «انسان اجتماعی» و یا ایفا کننده نقش استفاده می شود که در آن بازیگران تصمیمات شان را بر اساس قواعد و هنجارها اتخاذ می کنند اما در تئوری های خردگرایی، انسان های بیشینه خواه گزینه هایی را مورد بررسی قرار می دهند که بیشترین منفعت را در بر داشته باشند.

یکی از جنبه های کلیدی سازه انگاری، تأکید بر تعامل میان عاملیت و ساختار است. این نظریه بیان می کند که بازیگران (عاملیت) و ساختارهای بین المللی بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند. از یک سو، بازیگران از طریق رفتارهای خود می توانند ساختارها را تغییر دهند؛ از سوی دیگر، ساختارها نیز می توانند رفتار بازیگران را محدود یا جهت دهی کنند (Giddens, 1984).

در مجموع بر اساس رهیافت سازه انگاری ساختار بین الملل نه امری از پیش داده که امری برآمده از دیالکتیک دائمی ساختارها و بازیگرانی است که براساس معانی ذهنی خود، و نه لزوماً عقلانیت ابزاری، دست به کنش می زنند.

همچنین در مورد این موضوع خاص می توان به نظریه جیمز اسکات در کتاب «سلطه و هنر مقاومت» نیز اشاره نمود. جیمز سی. اسکات انسان شناس و دانشمند علوم سیاسی آمریکایی است که سال ها به کار میدانی در مناطق روستایی شرق آسیا پرداخته است.

¹ - Idealism

² - Subjectivism

³ - Objectivism

او علاوه بر اینکه حاصل تحقیقاتش در این مناطق را در قالب کتاب‌هایش ارائه کرده است، به طرح نظریات سیاسی عمیقی پرداخته که از این تحقیقات برآمده‌اند. اسکات که از اندیشمندان مطرح طرفدار بی‌دولتی است و در این زمینه هم کتاب‌های مستقلی دارد، تأملات قابل توجهی در زمینه‌ی روابط قدرت و مسئله‌ی ایدئولوژی داشته است. کتاب «سلطه و هنر مقاومت» مهمترین کتاب نظری اسکات درباره‌ی روابط میان قدرتمند و بی‌قدرت است و در آن نگاهی خاص و موشکافانه به روابط و گفتارهایی که به‌طور معمول زیر عنوان ایدئولوژی دسته‌بندی می‌شوند می‌اندازد و طرحی نو برای فهم این گفتارها و کردارها به دست می‌دهد که غنای مفهومی قابل توجهی دارد.

از منظر اسکات رویارویی بین افراد فاقد قدرت و قدرتمند مملو از فریب است - افراد فاقد قدرت به بی‌قدرتی خود تظاهر می‌کنند و قدرتمندان به طرز ماهرانه‌ای بر تسلط خود تأکید می‌کنند. دهقانان، رعیت‌ها، بردگان، کارگران و زندانیان در حضور قدرت آزاد نیستند که عقیده خود را بیان کنند. این گروه‌های زیردست در عوض گفتمان مخفیانه‌ای ایجاد می‌کنند که نشان‌دهنده انتقاد از قدرت است که پشت سر افراد مسلط گفته می‌شود. در عین حال، قدرتمندان همچنین گفتگوی خصوصی در مورد اقدامات و اهداف حکومت خود ایجاد می‌کنند که نمی‌توان آشکارا اعلام کرد. در این کتاب، دانشمند علوم اجتماعی مشهور، جیمز سی. اسکات، بحثی نافذ در مورد نقش‌های عمومی که توسط قدرتمندان و بی‌قدرتان بازی می‌شود و لحن تمسخرآمیز و انتقام‌آمیز آن‌ها در خارج از صحنه ارائه می‌کند - آنچه او آن‌ها را رونوشت‌های عمومی و پنهان می‌نامد. اسکات با استفاده از مثال‌هایی از ادبیات، تاریخ و سیاست فرهنگ‌های سراسر جهان، چهره‌های بسیاری را که این تعامل در طول تاریخ به خود گرفته است و تنش‌ها و تناقض‌هایی که منعکس می‌کند، بررسی می‌کند. در این مقاله سعی شده که از همان مباحث سازه‌انگارانه و با تأکید بر مباحث هنجاری و هویتی به بحث مقاله پرداخته شود.

۲.۲. مفاهیم نظری اندیشه مقاومت در دیدگاه مقام معظم رهبری

مقاومت در اندیشه مقام معظم رهبری صرفاً یک راهبرد سیاسی نیست، بلکه یک گفتمان فرهنگی و اجتماعی است که بر استقلال، عزت ملی و مقابله با ظلم تأکید دارد. این

مفهوم در سخنرانی‌های ایشان و در تعاملات دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران با گروه‌های مقاومت منطقه‌ای قابل مشاهده است.

واژه مقاومت ریشه در فعل ثلاثی مجرد «قَامَ» دارد که در معنی، به پا خاستن و برخاستن و نیز پایدار ماندن بکار رفته است. (میرقادی و کیانی، ۱۳۹۱: ۷۰)

مؤلف لسان العرب برای واژه مقاومت، ریشه قوم را بیان کرده، که در معنای چیزی را راست و درست کردن (ابن منظور، ج ۱۲: ۵۱۱) است.

فرهنگ معین، واژه مقاومت را در لغت، به معنی ایستادگی و برابری کردن معرفی کرده است و در اصطلاح نیز آنرا در مبادرت به نبرد تدافعی وضعیتی بیان کرده و فرماندهی آنرا موضع مقاومتی معرفی می‌کند که با تمام قوای خود با همین موضع تدافعی مبادرت به نبرد می‌کند. بنابراین معنای غالب مقاومت، ایستادگی و پایداری در برابر چیزیست که توازن را چه از بعد داخلی و چه خارجی برهم زده باشد (معین، ۱۳۸۹: ۴۲۸۶)

ایستادگی و مقاومت از منظر مقام معظم رهبری، آیت‌الله خامنه‌ای، به عنوان یکی از اصول بنیادین برای حفظ عزت، استقلال و پیشرفت ملت‌ها مطرح می‌شود. ایشان مقاومت را نه تنها یک وظیفه دینی و اخلاقی، بلکه یک راهبرد عقلانی و عملی برای مقابله با تهدیدها و فشارهای داخلی و خارجی می‌دانند.

مقام معظم رهبری مقاومت را به عنوان ایستادگی در برابر ظلم، استکبار و هرگونه تهدید علیه ارزش‌های دینی، ملی و انسانی تعریف می‌کنند. ایشان تأکید دارند که مقاومت به معنای سازش ناپذیری با دشمنان و تلاش برای حفظ استقلال و هویت ملی است. به گفته ایشان، مقاومت تنها راهی است که ملت‌ها می‌توانند از طریق آن به حقوق خود دست یابند و در برابر فشارهای خارجی ایستادگی کنند (بیانات، ۴ آذر ۱۳۹۷).

مقام معظم رهبری مقاومت را ریشه‌دار در آموزه‌های قرآنی و دینی می‌دانند. ایشان به آیاتی از قرآن کریم اشاره می‌کنند که بر ایستادگی در برابر ظلم و دفاع از حق تأکید دارند، مانند آیه «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران: ۱۳۹). این آیات نشان‌دهنده اهمیت مقاومت به عنوان یک وظیفه دینی است (فرهنگ زاد و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۵۸).

از منظر مقام معظم رهبری، مقاومت نه تنها یک وظیفه دینی، بلکه یک راهبرد عقلانی است. ایشان معتقدند که ایستادگی در برابر دشمنان، تنها راه حفظ استقلال و جلوگیری از تسلط بیگانگان است. به گفته ایشان، ملت‌هایی که در برابر فشارها مقاومت می‌کنند، می‌توانند به پیشرفت و عزت دست یابند (بیانات، ۲۹ مرداد ۱۳۷۶).

مقام معظم رهبری به تجربیات تاریخی ملت‌ها اشاره می‌کنند که نشان می‌دهد مقاومت همواره به پیروزی و عزت منجر شده است. ایشان به نمونه‌هایی از تاریخ اسلام و انقلاب اسلامی ایران اشاره می‌کنند که در آن‌ها مقاومت در برابر دشمنان به موفقیت‌های بزرگ منجر شده است (اعرابی، ۱۳۹۷: ۱۶۴-۱۴۵).

یکی از اهداف اصلی مقاومت از دیدگاه مقام معظم رهبری، حفظ استقلال و عزت ملی است. ایشان تأکید دارند که ملت‌ها باید در برابر فشارهای خارجی ایستادگی کنند تا بتوانند هویت و استقلال خود را حفظ کنند (بیانات، ۴ آذر ۱۳۹۷). مقام معظم رهبری مقاومت را ابزاری برای تحقق عدالت در جامعه می‌دانند. ایشان معتقدند که ایستادگی در برابر ظلم و فساد، زمینه‌ساز برقراری عدالت اجتماعی است (فرهنگ زاد و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۵۹).

از منظر مقام معظم رهبری، مقاومت نه تنها به حفظ استقلال و عدالت کمک می‌کند، بلکه زمینه‌ساز پیشرفت و توسعه در تمامی زمینه‌ها است. ایشان تأکید دارند که ملت‌هایی که در برابر فشارها مقاومت می‌کنند، می‌توانند به پیشرفت‌های علمی، اقتصادی و فرهنگی دست یابند (بیانات، ۲۹ مرداد ۱۳۷۶). مقام معظم رهبری معتقدند که مقاومت به تقویت اقتدار ملی منجر می‌شود. ایشان تأکید دارند که ملت‌هایی که در برابر دشمنان ایستادگی می‌کنند، می‌توانند جایگاه خود را در عرصه بین‌المللی تقویت کنند (بیانات، ۴ آذر ۱۳۹۷).

یکی دیگر از آثار مقاومت، ایجاد روحیه امید و اعتماد به نفس در جامعه است. مقام معظم رهبری تأکید دارند که مقاومت می‌تواند به ملت‌ها نشان دهد که با ایستادگی و تلاش می‌توانند بر مشکلات غلبه کنند (فرهنگ زاد و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۵۸). همچنین مقاومت به حفظ ارزش‌های دینی و ملی کمک می‌کند. مقام معظم رهبری معتقدند که ایستادگی در برابر تهدیدها و فشارها، می‌تواند از تضعیف ارزش‌های دینی و ملی جلوگیری کند (اعرابی، ۱۳۹۷: ۱۴۵-۱۶۴).

مقام معظم رهبری به چالش‌هایی که ممکن است در مسیر مقاومت وجود داشته باشد، اشاره می‌کنند. این چالش‌ها شامل فشارهای اقتصادی، تهدیدهای نظامی و تبلیغات منفی دشمنان است. ایشان تأکید دارند که ملت‌ها باید با آگاهی و هوشیاری این چالش‌ها را مدیریت کنند (بیانات، ۴ آذر ۱۳۹۷). ایشان راهکارهایی برای تقویت مقاومت ارائه می‌دهند که شامل تقویت ایمان دینی، افزایش آگاهی عمومی، تقویت اقتصاد مقاومتی و ایجاد انسجام ملی است. ایشان معتقدند که این اقدامات می‌تواند به ملت‌ها کمک کند تا در برابر فشارها ایستادگی کنند (فرهنگ زاد و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۷۱).

از منظر رهبر انقلاب اسلامی، دولت مقاومت به‌عنوان الگویی برای ایستادگی در برابر فشارها و تهدیدهای خارجی و داخلی تعریف می‌شود. این مفهوم بر پایه اصولی همچون استقلال، خودکفایی، ایستادگی در برابر استکبار جهانی و تقویت توان داخلی شکل گرفته است. رهبر انقلاب اسلامی تأکید دارند که مقاومت نه‌تنها یک وظیفه اخلاقی و دینی است، بلکه راهی برای حفظ عزت و اقتدار ملی محسوب می‌شود. ایشان در بیانات خود، مقاومت را به‌عنوان یک اصل بنیادین برای مقابله با فشارهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی معرفی کرده‌اند. دولت مقاومت باید بتواند با تکیه بر توان داخلی، از وابستگی به قدرت‌های خارجی بکاهد و زمینه‌های پیشرفت و توسعه را فراهم کند. رهبر انقلاب اسلامی همچنین بر اهمیت تقویت اقتصاد مقاومتی، حمایت از تولید داخلی و استفاده از ظرفیت‌های ملی تأکید دارند، چرا که این اقدامات می‌تواند پایه‌های مقاومت را مستحکم‌تر کند. در این چارچوب، دولت مقاومت نه‌تنها در برابر تهدیدهای خارجی ایستادگی می‌کند، بلکه با تقویت انسجام داخلی و ایجاد امید در جامعه، زمینه‌های پیشرفت و توسعه پایدار را فراهم می‌آورد.

رهبر انقلاب اسلامی بر این باورند که مقاومت، تنها راه مقابله با فشارهای دشمنان و حفظ استقلال کشور است و باید به‌عنوان یک راهبرد دائمی در سیاست‌های دولت‌ها مورد توجه قرار گیرد. ایشان می‌فرمایند: «البته تردیدی نیست که در دنیا دولت‌های غربی از اتحاد ما رنج می‌برند و «وضع آشفته» ما باعث «خاطر جمع» آن‌ها است، و معتقدند: «چون چنین است پس آشفته‌ترش باید کرد!» لذا باید با کمال دقت مراقب نقشه‌های آن‌ها باشیم و از طریق مقاومت و پایداری، توطئه‌های آنان را نقش بر آب کنیم» (بیانات، ۳۱ اردیبهشت ۹۲).

در مجموع باید گفت؛ ایستادگی و مقاومت از منظر مقام معظم رهبری به عنوان یک اصل بنیادین برای حفظ عزت، استقلال و پیشرفت ملت‌ها مطرح می‌شود. ایشان مقاومت را نه تنها یک وظیفه دینی و اخلاقی، بلکه یک راهبرد عقلانی و عملی برای مقابله با تهدیدها و فشارهای داخلی و خارجی می‌دانند. با توجه به مبانی قرآنی، عقلانی و تاریخی مقاومت، ملت‌ها می‌توانند با ایستادگی در برابر دشمنان، به اهدافی مانند حفظ استقلال، تحقق عدالت و پیشرفت دست یابند. مقاومت همچنین به تقویت اقتدار ملی، ایجاد روحیه امید و حفظ ارزش‌های دینی و ملی کمک می‌کند. با وجود چالش‌ها، مقام معظم رهبری تأکید دارند که با تقویت ایمان، آگاهی و انسجام ملی می‌توان این چالش‌ها را مدیریت کرد و به موفقیت دست یافت.

۳. تأثیر اندیشه مقام معظم رهبری بر تعاملات سیاسی میان گروه‌های مقاومت

اندیشه مقام معظم رهبری در سال‌های اخیر تأثیر چشمگیری بر تعاملات سیاسی میان گروه‌های مقاومت داشته است. این اندیشه با تأکید بر وحدت اسلامی، استقلال ملی و مقابله با سلطه‌گری توانسته است نقش مهمی در هدایت و انسجام گروه‌های مقاومت در منطقه ایفا کند. بررسی این نقش، مستلزم تحلیل ابعاد سیاسی، اجتماعی و راهبردی اندیشه رهبری و نحوه تأثیرگذاری آن بر سیاست‌های منطقه‌ای گروه‌های مقاومت است (مهدی‌پور، ۱۳۹۹: ۳۰-۱)

۱) سیاست‌های منطقه‌ای و حمایت از گروه‌های مقاومت

اندیشه مقام معظم رهبری، به‌ویژه در سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، تأثیر مهمی بر حمایت از جریان‌های مقاومت در برابر اشغال‌گری و نفوذ بیگانگان داشته است (مهدی‌پور، ۱۳۹۹: ۳۰-۱)

آیت‌الله خامنه‌ای بارها بیان کرده‌اند که حمایت ایران از جبهه مقاومت یک حمایت بی‌قید و شرط انسانی و اسلامی است و نباید محدود به حسابگری‌های سیاسی زودگذر شود. ایشان معتقدند مسئله فلسطین و دیگر ملل مظلوم، فراتر از ملاحظات حزبی یا مسائل ناسیونالیستی است. بنابراین، هرکس و هر ملتی - حتی غیراسلامی - که برای دفاع از ستمدیدگان اقدام کند، شایسته تقدیر و همدلی است. این نگرش، جنبش‌های مقاومت را نیز

ترغیب می‌کند تا در روابط خود همگرایی بیشتری با یکدیگر داشته باشند. چنان‌که محور مقاومت، صرفاً شامل مسلمانان شیعه یا سنی نمی‌شود و همه جریان‌های مقاومت که قصد حفظ هویت و عزت خود را داشته باشند، می‌توانند در این حلقه جای گیرند.

مفهوم محور مقاومت یا جبهه مقاومت در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، فراتر از مرزهای یک کشور یا یک گروه خاص است. این محور، طیفی گسترده از نیروها و ملت‌هایی را شامل می‌شود که در عراق، سوریه، لبنان، یمن، فلسطین و حتی فراتر از خاورمیانه - برخی کشورهای آفریقایی یا آمریکای لاتین - به نوعی با سیاست‌های استکباری مخالفت می‌کنند و از عزت خود دفاع می‌نمایند. اما در منطقه غرب آسیا، این محور سازمان یافته‌تر می‌باشد. به تعبیر ایشان، در غیاب این جبهه فعال، قدرت‌هایی چون آمریکا و متحدانش می‌توانند طرح‌های خود - مانند طرح‌های موسوم به معامله قرن یا عادی‌سازی‌های تحمیلی - را بدون مانع پیش ببرند. براین اساس، حضور گروه‌های مقاومت در عراق (الحشد الشعبی)، در سوریه (نیروهای دفاع وطنی و مستشاران خارجی)، در لبنان (حزب الله) و در یمن (انصارالله) توانسته است تا با ایجاد موازنه قدرت، از گسترش حضور آمریکا و متحدانش جلوگیری کند و مانع طرح‌های سازش آمریکایی شود و یا حداقل هزینه‌های آن را برای سازش‌طلبان بالا ببرد.

مقام معظم رهبری بر این باور است که حمایت از محور مقاومت نه تنها یک ضرورت سیاسی، بلکه یک نیاز اجتماعی و انسانی نیز هست. این حمایت به معنای ایستادگی در برابر ظلم و حمایت از ملت‌های مظلوم است. ایشان همواره معتقدند: «ما به وظیفه خود در حمایت از مقاومت عمل خواهیم کرد، زیرا این وظیفه‌ای انسانی و اسلامی است» (بیانات ۲۴ دیماه، ۱۳۹۸).

از سوی دیگر به باور رهبر انقلاب؛ حمایت از محور مقاومت به منظور تأمین امنیت ملی ایران یک ضرورت است. لذا همواره تأکید کرده‌اند که حفظ امنیت کشور به وسیله تقویت روابط با کشورها و گروه‌های هم‌پیمان در محور مقاومت ممکن است. این تأکید بر لزوم ایجاد یک زنجیره امنیتی میان کشورهای محور مقاومت، نشان‌دهنده اهمیت این محور در مقابله با تهدیدات است (نوری، ۱۴۰۰: ۳۵-۲۰)

۲) تاثیر اندیشه رهبر انقلاب بر دیپلماسی مقاومت در سیاست خارجی

جمهوری اسلامی ایران

سیاست خارجی ایران، تحت تأثیر اندیشه مقام معظم رهبری، رویکردی فعال در حمایت از جریان‌های مقاومت و مقابله با سیاست‌های سلطه‌طلبانه قدرت‌های خارجی اتخاذ کرده است. دیپلماسی حمایت از محور مقاومت به عنوان یک ابزار مهم در روابط بین‌المللی ایران مورد توجه قرار دارد. مقام معظم رهبری معتقدند که تقویت این محور می‌تواند به ایجاد یک دیپلماسی قوی‌تر و مؤثرتر کمک کند. در شرایطی که ایران با تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی مواجه است، دیپلماسی از طریق محور مقاومت می‌تواند به عنوان یک ابزار برای تسهیل ارتباطات و حفظ منافع ملی عمل کند. این دیپلماسی نه تنها محدود به عرصه سیاسی است، بلکه شامل ابعاد اقتصادی، فرهنگی و نظامی نیز می‌شود. همکاری‌های اقتصادی میان کشورهای محور مقاومت، به ویژه در زمینه‌های انرژی و تجارت، می‌تواند به تقویت بنیان‌های اقتصادی ایران و کشورهای هم‌پیمان منجر شود (بیانات، ۱۳۹۹).

همچنین نظرات پژوهشگران نشان می‌دهد که دیپلماسی از طریق محور مقاومت می‌تواند به ایجاد یک شبکه مؤثر از ارتباطات بین‌المللی کمک کند که در آن کشورهای هم‌پیمان بتوانند با یکدیگر همکاری نزدیک‌تری داشته باشند. این همکاری‌ها می‌تواند به تبادل اطلاعات، تجربیات و تکنولوژی‌های نوین منجر شود که در نهایت به تقویت امنیت ملی و منافع اقتصادی ایران کمک می‌کند. بر همین اساس، برقراری روابط نزدیک با سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی نیز می‌تواند به تقویت دیپلماسی محور مقاومت کمک کند. به طور مثال، ارتباط با سازمان‌های بین‌المللی اسلامی و تقویت همکاری‌های منطقه‌ای می‌تواند به ایجاد یک جبهه متحد در برابر تهدیدات خارجی منجر شود. مقام معظم رهبری بر لزوم فعالیت در این زمینه تأکید کرده و بر این باورند که ایجاد یک دیپلماسی فعال و مؤثر می‌تواند به تأمین منافع ملی ایران کمک کند (حسینی، ۱۴۰۱: ۶۵-۵۰).

۴. تأثیر اندیشه مقام معظم رهبری بر تعاملات اجتماعی میان گروه‌های مقاومت

تعاملات اجتماعی به مجموعه‌ای از کنش‌های جمعی و تعاملات میان گروه‌های مقاومت اطلاق می‌شود که در راستای تحقق اهداف مشترک، تقویت انسجام و مقابله با تهدیدات خارجی شکل می‌گیرند (اوجی اردبیلی، ۱۴۰۲: ۵۷)

۱) نقش گفتمان مقاومت در شکل‌دهی به هویت اجتماعی و فرهنگی

جنبش‌ها

اندیشه مقام معظم رهبری، از طریق گفتمان مقاومت، به شکل‌دهی هویت اجتماعی میان گروه‌های مقاومت کمک نموده است. اکنون دولت‌های ایران و دولت نزدیک به مقاومت در عراق، انصارالله یمن (یمن شمالی)، حزب‌الله لبنان و نیز گروه‌های مقاومت در فلسطین مانند جهاد اسلامی و حماس محور مقاومت دانسته می‌شوند. شکل‌گیری محور مقاومت با الهام از آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران مبنی بر مقاومت در برابر قدرت‌های جهانی تبیین و ترسیم شده است. به گفته شهید سید حسن نصرالله: سیدعلی خامنه‌ای، رهبر محور مقاومت و جمهوری اسلامی ایران، قلب و پایه اصلی محور مقاومت است.

مقاومت اسلامی بطور کلی کلید واژه ای است که در برابر ظلم، تعدی و اشغالگری، سکولاریسم، سلطه‌گری و سلطه‌پذیری شکل گرفته و هدفش حفظ حقوق، دفع ستم، رفع اشغال، حفظ استقلال، جلوگیری از سلطه‌گری و اجرای موازین اسلامی در تمامی ابعاد فردی و اجتماعی می‌باشد و در یک کلام، اسلام سیاسی مهم‌ترین مؤلفه این کلید واژه می‌باشد. بنا بر این؛ تسلسل وار حفظ دین، حفظ نظام جمهوری اسلامی ایران، آزادی فلسطین، حفظ استقلال و جلوگیری از غارت منابع و ثروت در عراق، لبنان، یمن از جمله اهداف مشخص و عینی محور مقاومت می‌باشد.

مفهوم مقاومت که از آن به یافتن راهی برای دور زدن مصائب و مقابله با موانع یاد شده است، نه تنها برای استقامت در برابر تهدیدهای قدرت‌های جهانی و نظام سلطه بیان شده، بلکه به عنوان یک پروژه تمدن‌ساز در جهت تحقق آزادی، عدالت جهانی، همزیستی مسالمت‌آمیز و برپایی تمدن نوین اسلامی مطرح شده است. ایشان با تأکید بر این حرکت عظیم اسلامی و برشماری ویژگی‌های خاص و منحصر به فرد جریان مقاومت، این باور عظیم

اسلامی را که گریبانگیر نظام سلطه شده است به عنوان ابزار و رویکردی فعال و اثرگذار در مواجهه با چالش‌های بین‌المللی و نظم ناعادلانه جهانی معرفی می‌کند. به خصوص در دنیای امروز که با گسترش تهدیدهای جدید دشمنان از جمله جنگ نرم، تهاجم فرهنگی، بحران اقتصادی، نفوذ فناوری‌های نوین و مسائلی از این دست، فرهنگ مقاومت و استقامت و دعوت به آن، به یک راهبرد ضروری و نسخه‌ای شفافبخش برای ملت‌های آزاده و آزادی‌خواه جهان تبدیل شده است.

بنابراین هویت اجتماعی و فرهنگی گفتمان مقاومت، در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، بر پایه چند اصل بنیادین بنا نهاده شده است که عبارتند از:

۱) ایمان و معنویت: یکی از اصول اساسی فرهنگ مقاومت در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای، ایمان به خداوند و اصول معنوی است. ترویج روح معنویت در جامعه، جوهره واقعی انسانی و ایمانی را در جوان‌ها زنده می‌کند و این جاذبه معنوی و ایمان الهی، به انسان‌ها قدرت روحی و باطنی می‌دهد تا بتوانند در برابر تهدیدها و جهان تبعیض‌آمیز ایستادگی کرده و حاکمیت الهی را برقرار نمایند.

۲) هویت اسلامی - انقلابی: فرهنگ، هویت یک ملت به شمار می‌رود و فرهنگ مقاومت از دینی‌ترین منابع اسلامی مانند قرآن، حدیث، و سیره اهل‌بیت علیهم السلام نشأت می‌گیرد که در قالب اسلام و انقلاب اسلامی و بر اساس مؤلفه‌ی فطرت‌مداری، عقلانیت، مردم‌نیا بودن، ولایت‌مداری توحیدی، استکبارستیزی و غیره، تکوین و رشد یافت و منعطف و پویا به صورت عملی پیاده‌سازی شد.

۳) پویایی و تحول‌گرایی: فرهنگ مقاومت نه تنها به واکنش و مقابله در برابر تهدیدها و فریاد صریح علیه نظام سلطه محدود نمی‌شود، بلکه به عنوان یک جریان پویا و تحولی به طور مستمر خود را به‌روز کرده و راهبردهای نوینی در مواجهه با چالش‌ها و ظلم‌های دائمی دشمنان ارائه می‌دهد.

۴) مقاومت به عنوان نفی سلطه: فرهنگ مقاومت از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، در ذات خود نفی سلطه و استعمار است. این مفهوم، به ویژه در مواجهه با سلطه‌گری‌های جهانی و سیاست‌های استکباری آمریکا و دیگر قدرت‌های غربی، به عنوان یک اصل اساسی در نظریه مقاومت مطرح می‌شود. مقابله با سلطه‌گران نه تنها یک ضرورت سیاسی، بلکه یک تکلیف

دینی و شرعی است که با هدف دستیابی به استقلال ملی و تحقق عدالت اجتماعی انجام می‌شود.

۵) پیوند اخلاق و سیاست در مقاومت: آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند که مقاومت باید در چارچوب اخلاق و فضائل انسانی صورت گیرد. این دیدگاه نه تنها مقاومت را به ابزار سیاسی برای مقابله با ظلم محدود نمی‌کند، بلکه آن را به عنوان راهی برای رشد و تعالی اخلاقی و انسانی ملت‌ها و افراد در نظر می‌گیرد. اخلاق در مقاومت به عنوان یک مبنای اساسی برای پیروزی در برابر دشمنان و حفظ هویت فرهنگی و دینی تلقی می‌شود (کیانی، امیری، ۱۳۸۹: ۴۶-۴۳).

فرهنگ مقاومت، به عنوان یک گفتمان فکری و عملی، از منظر آیت‌الله خامنه‌ای نه تنها یک واکنش به تهدیدات خارجی نیست، بلکه به عنوان یک پروژه فرهنگی و تمدن‌ساز برای ملت‌ها و جوامع مستقل در برابر سلطه‌گران جهانی در نظر گرفته می‌شود. این فرهنگ، ریشه در ایمان به خداوند، هویت اسلامی-انقلابی و پویایی فکری دارد و به عنوان یک راهبرد کلی برای مقابله با ظلم و استکبار عمل می‌کند. آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند که فرهنگ مقاومت می‌تواند به عنوان یک عامل مؤثر در فرآیند ساخت تمدن نوین اسلامی نقش‌آفرینی کند که در آن عزت، عدالت، آزادی و کرامت انسانی از اصول بنیادین آن به شمار می‌روند.

۲) تأثیر بر انسجام اجتماعی در میان جریان‌های مقاومت

اندیشه مقام معظم رهبری، با ایجاد همبستگی میان گروه‌های مقاومت از طریق شبکه‌های اجتماعی و فرهنگی، یکی از اصول کلیدی در اندیشه مقام معظم رهبری، تقویت وحدت میان امت اسلامی و انسجام گروه‌های مقاومت است. این رویکرد نه تنها موجب افزایش همگرایی میان جنبش‌های مقاومت شده، بلکه زمینه‌ای برای مقابله با تهدیدات خارجی فراهم کرده است (فرهنگ‌زاد و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۷۲).

مقام معظم رهبری همواره بر اهمیت همبستگی اسلامی به عنوان یک اصل کلیدی در حمایت از محور مقاومت تأکید کرده‌اند. ایشان در همین باره می‌فرمایند: «محور مقاومت نماد همبستگی اسلامی و مبارزه با ظلم و استکبار است. ما باید از این همبستگی به عنوان یک ابزار مؤثر در مقابله با تهدیدات استفاده کنیم». این همبستگی می‌تواند به ایجاد یک جبهه

متحد در برابر تهدیدات مشترک کمک کند و به ملت‌های اسلامی این امکان را بدهد که با یکدیگر همکاری کنند و از تجارب و منابع یکدیگر بهره‌برداری کنند (بیانات ۱۵ خرداد، ۱۳۹۹).

تقویت همبستگی اسلامی نه تنها به عنوان یک اقدام سیاسی، بلکه به عنوان یک اقدام فرهنگی و اجتماعی نیز مطرح می‌شود. از این رو، حمایت از محور مقاومت می‌تواند به گسترش این همبستگی و ایجاد یک جامعه اسلامی مقاوم در برابر تهدیدات کمک کند. به ویژه در بحران‌های اخیر منطقه‌ای، مانند جنگ یمن و بحران سوریه، این همبستگی میان کشورهای اسلامی بیش از پیش احساس شده است. در این زمینه، تحلیلگران بر این باورند که همبستگی اسلامی می‌تواند به عنوان یک عامل مؤثر در ایجاد تغییرات مثبت در معادلات منطقه‌ای عمل کند و به تقویت وحدت میان ملت‌های اسلامی منجر شود. (یزدانی، ۱۴۰۰: ۴۵-۳۰)

نتیجه گیری

اندیشه‌های سیاسی مقام معظم رهبری به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع الهام بخش و راهبردی برای محور مقاومت، تأثیرات گسترده‌ای بر عملکرد این محور داشته است. این اندیشه‌ها بر پایه اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی، استقلال، مقاومت در برابر ظلم و استبداد و حفظ کرامت انسانی استوار است. مقام معظم رهبری همواره بر لزوم مقاومت در برابر تجاوزات و تهدیدات خارجی و حفظ استقلال و امنیت کشورهای منطقه تأکید داشته اند و نیز بر نقش و اهمیت اتحاد و همکاری میان کشورهای اسلامی و ملت‌های مظلوم در مقابله با دشمنان مشترک تصریح نموده اند.

در این مقاله که سعی شد با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و با بهره گیری از چارچوب نظری سازه انگاری به مباحث هویت یابی محور مقاومت تحت تأثیر اندیشه های مقام معظم رهبری پرداخته شود، می توان چنین نتیجه گرفت که:

اندیشه سیاسی انقلاب اسلامی به طور کلی و اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری به طور اساسی بر ساختار، انسجام و تقویت گروه‌های مقاومت تأثیرگذار بوده است. این نفوذ هم چنین در ترسیم اهداف، راهبردها و عملکرد محور مقاومت در ابعاد فرهنگی، سیاسی و نظامی نیز اثرگذاری نموده و موجب انسجام و وحدت گروه‌های مقاومت حول «محور» واحدی به

نام «مقاومت» در برابر وابستگی و یکجانبه‌گرایی آمریکا و غرب در اشکال گوناگون بوده است. ظهور و بروز گروه‌های مقاومت در کشورهای منطقه غرب آسیا و مقابله با پدیده داعش موجب شناسایی آن در منظر جهانیان گردید. محور مقاومت پس از پایان داعش، با چالش‌های متعددی در منطقه غرب آسیا روبرو بوده است.

محور مقاومت تحت تأثیر اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای پس از شکست داعش در منطقه غرب آسیا، با بازتعریف راهبردها و اهداف خود، تلاش کرده است تا به چالش‌های جدید منطقه‌ای و بین‌المللی پاسخ دهد و نقش خود را در حفظ امنیت و ثبات منطقه تقویت کند. این بازتعریف شامل تغییرات در اولویت‌ها، تقویت همکاری‌ها و تمرکز بر مسائل جدید امنیتی و سیاسی بوده است. که اهم آن عبارتند از:

۱- تثبیت دستاوردهای نظامی و امنیتی؛ پس از شکست داعش، محور مقاومت تلاش کرده است تا دستاوردهای نظامی و امنیتی خود را در منطقه تثبیت کند. این شامل تقویت حضور نظامی در مناطق استراتژیک، ایجاد ساختارهای امنیتی پایدار و جلوگیری از بازگشت گروه‌های تروریستی به منطقه است. محور مقاومت همچنین به تقویت توانمندی‌های دفاعی و نظامی خود پرداخته است تا در برابر تهدیدات جدید آماده باشد؛

۲- تمرکز بر بازسازی و توسعه: یکی از اهداف جدید محور مقاومت پس از شکست داعش، تمرکز بر بازسازی مناطق آسیب‌دیده و توسعه اقتصادی و اجتماعی در کشورهای عضو این محور بوده است. این تلاش‌ها شامل بازسازی زیرساخت‌ها، حمایت از بازگشت آوارگان و تقویت همکاری‌های اقتصادی میان کشورهای عضو محور مقاومت است؛

۳- تقویت اتحاد و همبستگی: محور مقاومت پس از شکست داعش، بر تقویت اتحاد و همبستگی میان اعضای خود تأکید کرده است. این شامل تقویت همکاری‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی میان ایران، حزب‌الله لبنان، حشد الشعبی عراق، انصارالله یمن و دیگر گروه‌های مقاومت است. این اتحاد و همبستگی به محور مقاومت کمک کرده است تا در برابر تهدیدات خارجی و داخلی مقاومت کند؛

۴- مقابله با نفوذ خارجی: یکی از راهبردهای مهم محور مقاومت پس از شکست داعش، مقابله با نفوذ خارجی در منطقه بوده است. این شامل مقابله با حضور نظامی ایالات متحده و متحدانش در منطقه و تلاش برای کاهش نفوذ رژیم صهیونیستی در غرب آسیا است. محور مقاومت همچنین به تقویت روابط با کشورهای همسو و تلاش برای ایجاد ائتلاف‌های جدید منطقه‌ای پرداخته است؛

۵- حمایت از ملت فلسطین: محور مقاومت همچنان به حمایت از ملت مظلوم فلسطین، ادامه داده است. این حمایت شامل ارائه کمک‌های سیاسی، مستشاری نظامی و انسانی به گروه‌های مقاومت فلسطینی و تلاش برای مقابله با تجاوزات رژیم صهیونیستی است.

با توجه به یافته‌های این پژوهش، تحلیل گفتمان مقاومت و تأثیرات آن بر سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، زمینه‌ساز فهم بهتر تعاملات میان گروه‌های مقاومت و تأثیرات این کنشگری بر معادلات جغرافیای سیاسی آینده خواهد بود.

پیشنهادهای

با توجه به بررسی انجام‌شده در این مقاله درباره نقش اندیشه مقام معظم رهبری در تعاملات سیاسی و اجتماعی میان گروه‌های مقاومت، برخی مسیرهای پژوهشی آینده می‌توانند در تکمیل این موضوع مفید باشند. پیشنهادات زیر برای تحقیقات بعدی مطرح می‌شوند:

۱. بررسی تأثیر اندیشه مقام معظم رهبری بر سیاست‌های دفاعی و امنیتی گروه‌های مقاومت

این پژوهش می‌تواند بر راهبردهای دفاعی، تاکتیک‌های نظامی و الگوهای امنیتی گروه‌های مقاومت تمرکز کند و نشان دهد که چگونه این گروه‌ها تحت تأثیر اندیشه مقام معظم رهبری سازماندهی شده‌اند.

۲. نقش رسانه‌های مقاومت در گسترش گفتمان مقام معظم رهبری

مطالعه تأثیر شبکه‌های رسانه‌ای، بیابیه‌ها و تبلیغات گروه‌های مقاومت بر تقویت گفتمان وحدت اسلامی و مقابله با سلطه‌گری می‌تواند ابعاد جدیدی از اثرگذاری اندیشه مقام معظم رهبری بر افکار عمومی منطقه را روشن کند.

۳. تأثیر اندیشه مقام معظم رهبری بر روابط دیپلماتیک میان گروه‌های مقاومت و دولت‌های منطقه

این پژوهش می‌تواند بررسی کند که دیپلماسی مقاومت چگونه موجب تغییر رویکرد کشورهای منطقه نسبت به گروه‌های مقاومت شده است و چگونه رهیافت‌های مقام معظم رهبری بر سیاست‌های خارجی کشورها تأثیر گذاشته‌اند.

۴. تحلیل مقایسه‌ای سیاست‌های مقاومت در اندیشه مقام معظم رهبری و سایر رهبران جهان

پژوهش‌های آینده می‌توانند اندیشه مقام معظم رهبری را با دیدگاه‌های سایر رهبران سیاسی جهان در زمینه مقاومت و استقلال ملی مقایسه کنند تا تفاوت‌های گفتمانی و راهبردی تحلیل شوند.

۵. بررسی نقش وحدت اسلامی در افزایش انسجام میان گروه‌های مقاومت

اندیشه مقام معظم رهبری تأکید زیادی بر وحدت اسلامی به عنوان یک مؤلفه کلیدی در تعاملات میان گروه‌های مقاومت دارد. یک پژوهش می‌تواند تأثیر وحدت اسلامی بر کاهش اختلافات داخلی و افزایش هماهنگی میان این گروه‌ها را مورد بررسی قرار دهد.

۶. تأثیر تحولات بین‌المللی بر نقش مقام معظم رهبری در راهبری گروه‌های مقاومت
با توجه به تغییرات سیاسی، اقتصادی و امنیتی در سطح جهانی، بررسی این‌که چگونه نقش مقام معظم رهبری در راهبری گروه‌های مقاومت بر تحولات بین‌المللی اثر گذاشته است می‌تواند ابعاد جدیدی از سیاست مقاومت اسلامی در منطقه را روشن نماید.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ ق). *لسان العرب*. چ سوم. بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزيع دار صادر.
۳. احمدی مقدم، اسماعیل و همکاران. (۱۴۰۲). "تبیین نقش امام خامنه‌ای، در هدایت و رهبری جبهه مقاومت." *مطالعات دفاعی/استراتژیک*. دوره ۲۱، شماره ۹۱، ۵۲-۲۹.
۴. اسکات، جیمز سی. (۱۴۰۳). *سلطه و هنر مقاومت*. (ا، خاکباز. مترجم). تهران، نشر مرکز.
۵. اشیری، سعید. (۱۳۹۳). *دوران جدید عالم: گفتمان انتقادی انقلاب اسلامی در شناخت تجدد و بر اساس بیانات آیت‌الله خامنه‌ای*. مؤسسه پژوهشی و فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، انتشارات انقلاب اسلامی.
۶. اعرابی، غلامحسین. (۱۳۹۹). "مبانی قرآنی و روایی مقاومت در کلام مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)." *مطالعات علوم قرآنی*. دوره ۲، شماره ۱، شماره پیاپی ۳، ۱۶۴-۱۴۵.
۷. اکبری، مسعود. (۱۳۹۹). *محور مقاومت و تحولات جهانی: از نظریه تا عمل*. *مطالعات دفاعی/استراتژیک*. ۵(۱)، صص ۱۰-۲۵.
۸. اوجی اردبیلی، محسن. (۱۴۰۲). "بررسی گونه‌های تعامل اجتماعی میان گروه‌های اجتماعی." *مطالعات جامعه‌شناسی*. دوره ۱۱، شماره ۴۰، آبان ۱۳۹۷، ۲۹-۴۷.
۹. بیانات رهبر انقلاب. (۱۳۹۲). در دیدار اعضای همایش ملی «تغییرات جمعیتی و نقش آن در تحولات مختلف جامعه. ۳۱ اردیبهشت.
۱۰. بیانات رهبر انقلاب. (۱۳۹۷). سخنرانی در دیدار با مسئولان نظام. تهران: وبسایت دفتر مقام معظم رهبری.
۱۱. بیانات رهبر انقلاب. (۱۳۹۸). سخنرانی در جمع فرماندهان نیروی هوایی. تهران: خبرگزاری فارس.
۱۲. بیانات رهبر انقلاب. (۱۳۹۹). بیانات در جمع مسئولان نظامی. تهران: خبرگزاری تسنیم.

۱۳. بیانات رهبر انقلاب. (۱۳۹۹). سخنرانی در جمع فرماندهان نیروی هوایی. تهران: خبرگزاری فارس.

۱۴. بیانات رهبر انقلاب. (۱۴۰۲). سخنرانی در دیدار با دبیرکل جنبش جهاد اسلامی فلسطین و هیئت همراه. تهران: وبسایت دفتر مقام معظم رهبری.

۱۵. پوراسمعیلی، نجمه؛ اسمعیلی اردکانی، علی. (۱۴۰۲). "ادراک رهبران ترکیه و عربستان از مقوله محور مقاومت." *پژوهش نامه ایرانی سیاست بین الملل*. دوره ۱۲، ش ۱، ش پیاپی ۲۳، پاییز و زمستان، آذر، ۵۹-۹۳.

۱۶. حسن زاده، محمد؛ جبّاری، حسن. (۱۳۹۸). "فرهنگ مقاومت و بایسته‌های دفاعی امنیتی گام دوم انقلاب اسلامی از منظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)." *اولین همایش سراسری قدرت نرم انقلاب اسلامی با محوریت «چهار دهه مقاومت و بایسته‌های فرهنگی گام دوم انقلاب اسلامی»*. تهران.

۱۷. حسن‌نیا مقدم، سیدعباس و همکاران. (۱۳۹۹). "بررسی مولفه‌های راهبردی مقاومت در اندیشه مقام معظم رهبری." *مجله پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی*. دوره ۱۱، ش ۴۵، ۷۱-۹۵.

۱۸. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (مدظله العالی). مجموعه بیانات. قابل دسترسی در www.Khamenei.ir

۱۹. حسینی، مهدی. (۱۴۰۱). "بررسی ابعاد اقتصادی محور مقاومت." *اقتصاد سیاسی*. ۲(۴)، ۵۰-۶۵.

۲۰. حکیمی، محمد؛ افتخاری، اصغر. (۱۳۹۹). "مختصات الگوی مقاومت اسلامی در منظومه فکری مقام معظم رهبری (دام ظلّه)." *سیاست اسلامی*. دوره ۸، ش ۱۸، ۲۰۱-۲۳۴.

۲۱. درگاهی، مهدی. (۱۴۰۲). "چیستی «راهبرد مقاومت» در اندیشه مقام معظم رهبری و تحلیل مبانی عقلی آن از منظر فقه سیاسی." *حکومت اسلامی*. دوره ۲۸، ش ۲، ش پیاپی ۱۰۸، ۴۶-۲۷.

۲۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ ق.). *مفردات الفاظ قرآن*. چ اول. بیروت: دارالقلم.

۲۳. سلطانی، محسن. (۱۳۹۸). "دیپلماسی ایران و محور مقاومت: چالش‌ها و فرصت‌ها". *مطالعات سیاسی*. ۵(۱)، صص ۱-۲۰.
۲۴. صادق زاده، محمدعلی. (۱۴۰۲). "نقش مقام معظم رهبری در تبیین دیپلماسی مقاومت با تأکید بر دکترین دفاعی". *مطالعات دفاع مقدس*. دوره ۹، شماره ۱، ش پیاپی ۳۳، ۱۷۷-۱۵۳.
۲۵. صالح اصفهانی و همکاران. (۱۳۹۹). "الگوی جبهه مقاومت از دیدگاه امام خامنه‌ای". *مطالعات دفاعی/استراتژیک*. دوره ۱۸، ش ۸۲، ۹۸-۸۱.
۲۶. عارفخانی، احمد. (۱۳۸۷). *اندیشه‌های سیاسی مقام معظم رهبری*. قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
۲۷. فرهنگ زاد، علیرضا و همکاران. (۱۴۰۳). "تحلیل تئوریک منطق مقاومت و ایستادگی در اندیشه مقام معظم رهبری". *مطالعات میان رشته‌ای ارتباطات و رسانه*. دوره ۷، ش ۲۳ - شماره ۲۳، صفحه ۱۵۵-۱۸۰.
۲۸. قاسمی، بهزاد. (۱۳۹۸). "الگوی مقاومت اسلامی؛ مطالعه بیانات مقام معظم رهبری". *پاسداری فرهنگی/انقلاب اسلامی*. سال ۱۰، ش ۲۱، ۲۰۲-۱۷۱.
۲۹. کیانی، جواد؛ امیری، سروش. (۱۳۸۹). "گفتمان مقاومت شهید قاسم سلیمانی در دیپلماسی و روابط بین الملل". *فصلنامه مطالعات دفاع مقدس*. دوره ۵، شماره ۲، ۳۰-۱.
۳۰. معین، محمد. (۱۳۸۹). *فرهنگ معین*. تهران: انتشارات زرین.
۳۱. مهدی پور. (۱۳۹۹). "بررسی ابعاد و پیامدهای راهبرد مقاومت در اندیشه آیت الله خامنه‌ای (مدظله)". *نشریه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام*. دوره ۸، ش ۲، (پیاپی ۱۷) صص ۳۰-۱.
۳۲. میرقادر، کیانی. (۱۳۹۱). «مقاله بن‌مایه‌های ادبیات مقاومت در قرآن». *دوفصلنامه مطالعات ادبی متون اسلامی*. دوره ۱، ش ۱، ۶۹-۹۷.
۳۳. نرم افزار حدیث ولایت: مجموعه رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه‌ای (۸۳ - ۱۳۶۸)، بنیاد قرآن و عترت سپاه، نسخه دوم، ۸/۶/۸۴.
۳۴. نوری، نسرین. (۱۴۰۰). "پیشینه و آینده محور مقاومت در سیاست خارجی ایران". *مجله پژوهش‌های اسلامی*. ۸(۱)، ۲۰-۳۵.

۳۵. یزدانی، سجاد. (۱۴۰۰). "نقش رسانه‌ها در ترویج محور مقاومت." *فصلنامه رسانه و سیاست*. ۳(۱)، صص ۳۰-۴۵.
۳۶. یعقوب، احمدحسین. (۱۳۹۳). "اندیشه‌های سیاسی-اجتماعی امام خامنه‌ای: دیدگاه-های آیت‌الله خامنه‌ای درباره مسایل سیاسی و اجتماعی." (م، زارع پور و دیگران. مترجم). قم: مؤسسه مطالعاتی و انتشاراتی صادق آل محمد (ص)